

متن پرسش

سلام علیکم: اخیراً به مناسبت سالگرد شهادت سردار سلیمانی در تهران همایش و نشست با عنوان نظریه مقاومت و آینده جهان اسلام و با محورهای ۱. نظریه مقاومت، مسایل و رویکردها ۲. نظریه مقاومت، نخبگان و تمدن سازی اسلامی ۳. محور مقاومت و نقش نخبگان جهان اسلام ۴. جایگاه نخبگان محور مقاومت بر آینده جهان اسلام در حال انجام است. آیا از نظر استاد می‌توان مقاومت اسلامی در کشورهای منطقه را یک نظریه علمی دانست و اینکه آیا خود شما (استاد طاهرزاده) مقاله یا کتابی در این موضوعات دارند و یا می‌شناسند که به بنده در جهت فهم مطالب فوق کمک کنند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کار خوبی است. آری! روح مقاومت، روح تاریخی این دوران است که به ملت‌ها عطا شده. به طور پراکنده عریضی شده است. مقاله‌ای تحت عنوان «امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و مکتب مقاومت در این تاریخ» قبلاً تنظیم شده است که ذیلاً ارسال می‌گردد. موفق باشید

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و مکتب مقاومت در این تاریخ

باسمه تعالی

سخن بر سر معجزه مقاومت است که خداوند در این تاریخ در مقابل مستضعفان جهان گشوده است و مقام معظم رهبری متذکر آن شدند از آن جهت که حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» آن را نمایان ساختند. در این مقاله سعی بر آن است تا جایگاه تذکرات رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» را با خوانندگان محترم در میان بگذاریم.

۱. وقتی آموزه‌های دینی، ما را متوجه این امر می‌کند که مشیت الهی بر انسان‌ها و تاریخ آن‌ها حاکم است که از چشم عموم پوشیده است ولی انبیاء و اولیاء متذکر آن هستند، ما بر آن می‌شویم که بدانیم در هر صورت در زیر سایه‌ی اولیاء الهی، آن مشیت و سرنوشت باید از طریق ما ظاهر شود و تحقق یابد وگرنه جهت شکوفایی خود، مطابق اراده‌ی الهی عمل نکرده‌ایم، همان طور که وقتی حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» در رؤیایی که رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» را در آن دیدند از حضرت شنیدند که فرمودند: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا» (ترجمه

لهوف، ص ۶۵) خداوند می‌خواهد تو را در این مسیر کشته‌شده و خانواده‌ی تو را اسیر ببیند. حضرت امام حسین «علیه‌السلام» همه‌ی اختیار خود را در مسیر اراده‌ی الهی که از طرف جدّشان از آن آگاه شدند، به کار بردند و به عالی‌ترین شکوفایی ممکن رسیدند.

انبیاء و اولیاء امکانات و خصوصیات تاریخی را که ما در آن به سر می‌بریم به ما متذکر می‌شوند تا ما در بستر تاریخ خود به شکوفایی لازم دست یابیم.

یک ملت تنها پس از قرارگرفتن در شرایط تحققِ مشیت الهی در زندگی‌شان به خودآگاهی و تفکر تاریخی لازم می‌رسند و عملاً اراده‌ی خداوند را به ظهور می‌رسانند. در این صورت این ملت در مقابل همه‌ی موانعی که اراده‌های شیطانی دوران ایجاد می‌کنند می‌ایستند و پیروز خواهند شد و آینده را از آن خود خواهند کرد. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» با توجه به چنین قاعده‌ای در تاریخ ۱۴/۳/۹۸ در حرم حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» فرمودند:

یک خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره‌ی آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوت‌ها امام مقاومت خودش را به رخ همه‌ی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند اما امام محکم ایستاد، امام بدون دژهای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد. این به جهت آن بود که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمی‌توانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ زیرا به بیّنات دین مبین اسلام متکی بود.

۲. کافی است به جای آن که گمان کنیم آن‌چه در تاریخ ما می‌گذرد اتفاقی است، متوجه شویم همه‌چیز حکیمانه مدیریت می‌شود و این اصلی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. اگر تاریخ با نظر به مشیت الهی به اندیشه درآمد درخواهیم یافت که بشر نیز در جریان تحقق اراده‌ی الهی نقش دارد. و ما امروز در راستای تحقق مکتب مقاومت می‌توانیم نقش‌آفرینی کنیم به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را حق می‌داند، و موانع

نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند. حرف امام حاکمیت دین خدا بود؛ بر جامعه‌ی مسلمین و بر زندگی عموم مردم؛ بدیهی است که این حرف و این مَشی، دشمنان گردن‌کلفتی در عالم دارد. این که یک حکومتی در قلب آسیا، در این نقطه‌ی حسّاس، در ایران به وجود بیاید که شعارش این باشد که با ظلم کنار نمی‌آید، از مظلوم حمایت می‌کند، معلوم است دشمنی را کسانی شروع کردند که اهل ظلم بودند، این‌ها با طبیعت پیام امام بزرگوار یعنی نظام جمهوری اسلامی، طبعاً نمی‌توانستند سازگار باشند. امام در مقابل این تهاجم ناجوانمردانه و خبثت‌آلود، از اول، فکر مقاومت را، فکر ایستادگی را، فکر نگ کردن راه و هدف را پایه‌گذاری کرد و به عنوان یک درس، به عنوان یک راه، برای ماها، برای ملت ایران، برای مبارزان، برای مسئولان کشور، این راه را نشان‌دار کرد و گذاشت تا از این راه حرکت کنیم.

۳. اگر متوجه غلبه‌ی مشیت الهی بر همه‌ی قلمروهای حیات انسان‌ها در طول تاریخ باشیم، در آن صورت مطالعه‌ی تاریخی، مطالعه‌ی نحوه‌ی ظهور متفاوت مشیت خداوند در عالم است و راهی است برای خداشناسی. به شرطی که تنها به شناخت جزئیات محدود نشویم و از شناخت امر والا یعنی سنت‌های جاری در عالم، چشم پوشی نکنیم. در این رابطه به سخن رهبر معظم انقلاب توجه کنید که می‌فرمایند:

مقاومت به تدریج از مرزهای جمهوری اسلامی فراتر رفت. امروز در منطقه‌ی ما، منطقه‌ی غرب آسیا، کلمه‌ی مشترکِ ملت‌ها، مقاومت است؛ تحلیل‌گران بین‌المللی نیز معتقدند: «یکی از مهم‌ترین علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین است که جمهوری اسلامی مسیر مقاومت را در پیش گرفت و موفق شد، توفیق پیدا کرد، توانست بر موانع فائق بیاید.

اگر انسان در مرتبه‌ی احساس بماند به هیچ ادراک کلی نمی‌رسد تا وارد عالم تفکر شود. آنچه اهمیت دارد تشخیص مصلحت‌های بزرگ در هر تاریخی و نسبت آن‌ها با اراده‌ی الهی است و اعمال انسان‌های بزرگ مثل حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بر همین اساس مورد توجه قرار می‌گیرد. این انسان‌ها از پندارهای معمولی فراتر رفته‌اند که می‌توانند مصلحت‌های بزرگ زمانه‌ی خود را تشخیص دهند. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» می‌فرمایند:

امام مسیر مقاومت را انتخاب کرده است. پشتوانه‌ی انتخاب مقاومت از سوی امام بزرگوار ما یک پشتوانه‌ی منطقی است. مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است و موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود؛ هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و

طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم. و البته مقاومت، هزینه دارد، اما هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. و قرآن به وعده‌ی الهی می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ». آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومت‌اند. بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است که نشان می‌دهد مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه‌ی مقابل فکر غلط کسانی که می‌گویند و تبلیغ می‌کنند که: «آقا! فایده‌ای ندارد» خطای بزرگ این‌جا است که کسی تصور کند در مقابل کردن کلفت‌های عالم نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد.

۴. روح هر ملتی در هر زمانی با اراده‌ی الهی در آن زمان پیوند دارد و اگر آن ملت آمادگی لازم را از خود نشان دهند هر کاری که از آن‌ها سر می‌زند با اراده‌ی حضرت رب العالمین هماهنگ خواهد بود و آن ملت نمودی از اراده‌ی الهی هستند. ملت‌ها به میزانی که متوجه این امر باشند، نقش آفرین خواهند بود و موفق به ساخت جهانی معنوی و دینی خواهند شد که آینده‌ی تاریخ از آن تغذیه می‌کند و آن‌ها بر آینده‌ی تاریخ فرمانروایی خواهند کرد.

یکی از علائم انحطاط یک ملت ترجیح خواست فردی افراد بر مشیت و اراده‌ی کلی حضرت حق است - اراده‌ای که همه باید در ذیل آن قرار گیرند- و مهم‌ترین کار متفکران جامعه توجه به حضور مشیت الهی و نظر به غایتی است که خداوند برای یک ملت اراده کرده‌است.

در افراد مختلف کوشش‌های بسیاری وجود دارد ولی آن کوشش‌ها وقتی اهمیت دارند که در جهت غایت نهایی یعنی ظهور مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» باشند و از این جهت در این عصر و این زمانه هر حرکتی که در مسیر به نتیجه رساندن انقلاب اسلامی باشد حرکتی معنی‌دار خواهد بود و انسان را از نیست‌انگاری زمانه رهایی می‌بخشد و او را از نظر به منافع فردی که غفلت از امکانات الهی برای این ملت است، به مقاصد بالاتری می‌برد. رهبر انقلاب در این رابطه می‌فرمایند:

خطای محاسباتی از این‌جا ناشی می‌شود که ما جبهه‌ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه‌ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است. در ادبیات سیاسی بین‌المللی، «مقاومت به شیوه‌ی امام خمینی» و «دکترین مقاومت امام خمینی» یک موضوع شده. یکی از چهره‌های سیاسی دنیا نوشته است: «دوران نقش‌آفرینی منحصر به فرد توان نظامی و اقتصادی در سیطره‌ی جهانی در حال افول است؛ اینکه یک کشوری توان نظامی زیادی داشته باشد و توان اقتصادی زیادی داشته باشد و بتواند به سیطره‌ی خود ادامه بدهد، دیگر در حال افول

است؛ دنیا عوض شده»؛ «در آینده‌ی نه چندان دور شاهد قدرت‌های فرامرزی‌ای خواهیم بود که از لحاظ ماشین‌آلات جنگی - مثل بمب اتم- یا سهم در تولید صنعتی جهانی، چندان بالا نیستند اما با قدرت تأثیرگذاری بر میلیون‌ها انسان، سیطره‌ی نظامی و اقتصادی غرب را به چالش خواهند کشید.» «دکترین مقاومت خمینی با تمام توان، شاه‌رگ‌های سیطره‌ی غرب و آمریکا را هدف گرفته است». راز ماندگاری جمهوری اسلامی این خطی است که امام بزرگوار، در میان ما باقی گذاشت.

۵. هرکس در ذیل تاریخی که اراده‌ی الهی برای او رقم زده است می‌تواند آن‌چه را در درون دارد به ظهور رساند و در این رابطه عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک ملت، دارای سازگاری کاملی خواهند بود و نمی‌توان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک قوم را با عناصر تشکیل‌دهنده‌ی قوم دیگر جابجا کرد و گمان کنیم می‌شود انقلاب اسلامی راه‌های برآوردن اهداف خود را در غرب جستجو کند. توجه به این نکته است که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

امروز جبهه‌ی مقاومت در منسجم‌ترین وضعیت در چهل سال گذشته است؛ نقطه‌ی مقابل، قدرت استکباری آمریکا و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف به مراتب تنزل کرده‌اند؛ ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. آمارهای واضحی وجود دارد در مورد وضع اقتدار اقتصادی آمریکا و تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی که در طول این چندین دهه به شکل عجیبی سقوط کرده است.

۶. رهبران واقعی ملت‌ها اصول کلی تاریخ خود را در درون خویش به الهام دریافته‌اند و در صدق تحقق بخشیدن به آن اصول کلی بر می‌آیند. قدرت رهبران تاریخی ملت‌ها نتیجه‌ی پیوند آن‌ها با مشیت الهی است که به آنان الهام و اشراق شده است و لذا راهی که چنین رهبرانی در تاریخ می‌کشایند مسیر سایر انسان‌های آن دوران خواهد بود و آن الهام و اشراق، منشأ تحولات بزرگ خواهد شد، هر چند با رنج‌های بزرگ همراه باشد ولی آن رهبران بزرگ برای پیوند خود با مشیت الهی به رنج‌ها و سختی‌ها اهمیت نمی‌دهند و از اهداف خود دست بر نمی‌دارند، اهدافی که رهبر معظم انقلاب آن‌ها را این‌طور ترسیم می‌کنند:

هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه‌ی بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه برای تعرض به ایران بازدارنده باشد، یعنی دشمن ببیند فایده‌ای ندارد و با ملت ایران نمی‌تواند کاری بکند. مثل بخش نظامی مواجهه‌ی ما با مسائل مان و با دشمنان مان باید اولاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛ ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛ ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتی سطحی

نباشد؛ [رابعاً] مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد.

۷. سیاست در هر حال، مبنا و اساس حقیقی می‌طلبد، اگر سیاست از دیانت و مشیت الهی که در درون ملت جریان دارد، فاصله بگیرد به امری غیر واقعی تبدیل می‌شود و دیگر خواست کلی زمانه و خواست افراد نیست تا هرکس آزادی خود را در همراهی با خواست جمعی که در نظام اسلامی تحقق یافته بنگرد اما با انقلاب اسلامی است که می‌توان به سیاستی دست یافت که ریشه در حقیقت داشته باشد، چیزی که در شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» ملاحظه کردید و آن درک درست ترفندهای دشمن است که رهبر انقلاب این‌طور از آن خبر می‌دهند:

یک شرط دیگر برای موفقیت این است که ما به ترفند دشمن برای تضعیف اندیشه‌ی مقاومت توجه کنیم. زیرا اندیشه‌ی مقاومت، قدرت‌مندترین سلاح یک ملت است؛ پس طبیعی است که دشمن بخواهد این سلاح را از دست ملت ایران بگیرد؛ [لذا] روی اندیشه‌ی مقاومت شروع می‌کنند به وسوسه کردن، تردیدافکنی و با ترفند دشمن تضعیف نشود. متوجه‌ی وعده‌ی الهی باشیم که هرچه دشمن اسلام بیشتر مجهز شود، امید به نابودی آن بیشتر خواهد بود. خداوند می‌فرماید: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب/۲۲) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. این نشان می‌دهد ایستادگی و مقاومت نتیجه‌ی ایمان و ارتباط با خدا است. از جمله‌ی وظایف ما حفظ دین و تقوا است تا روحیه‌ی مقاومت در ما شکل بگیرد. وقتی انسان مؤمن شد و دل او باور کرد، آن وقت «قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»؛ در میدان جنگ هم، مثل یک گلوله‌ی آتش، در دل هدف می‌نشیند؛ این نتیجه‌ی ایمان و ارتباط با خدا است. مؤمنان در مواجهه با حوادث سخت دچار ترس و دلهره نمی‌شوند. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» واقعاً نمی‌ترسید.

۸. وظیفه‌ی اهل تفکر آن است که در تاریخ خود نقش آفرینی کنند و آن‌چه را که منسوخ است و دورانش به پایان رسیده نشان دهند تا جامعه گرفتار بی‌فکری و کودنی فرهنگی نشود. کودنی فرهنگی چیزی نیست جز مشغول شدن بر اموری که مربوط به تاریخ گذشته است. وقتی تاریخ جدیدی در حال وقوع است آن کس که هنوز در گذشته زندگی می‌کند و در نتیجه منزوی می‌شود، باید خود را در انزوای خود مقصر بداند زیرا نگاه نکرد که اراده‌ی الهی در این دوران به چه چیز اشاره دارد تا امروز

نیز وارد ساحت آگاهی گردد. رهبر انقلاب می‌فرماید:

ملاحظه کنید؛ دو جور آدم در مقابله‌ی با دشمن وجود دارد: « وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا. وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا... » (احزاب/ ۱۲ و ۱۳) این یک نگاه است، یک دید است در مقابله‌ی با این حوادث؛ یک دید دیگر این است که می‌گوید: « وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا » این هم یک دید است.

ما دو جور انسان داریم: یک عده هستند که وقتی هیمنه‌ی آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را می‌بینند، قدرت دیپلماسی او را می‌بینند، قدرت تبلیغاتی او را می‌بینند، پول فراوان او را می‌بینند، مرعوب می‌شوند؛ می‌گویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ این جور افراد الآن هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که می‌گفتند آقا بیخود چرا خودتان را زحمت می‌دهید؛ به یک حداقلی قانع شوید و قضیه را تمام کنید. یک عده این جور بودند. یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه می‌کنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند؛ آن وقت می‌بینند که این‌ها حقیر محض‌اند، این‌ها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظنّ به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰) این وعده‌ی قطعی است، وعده‌ی مؤکد است. اگر چنانچه ما به وعده‌ی الهی حسن‌ظن داشته باشیم، یک جور عمل می‌کنیم، اگر به وعده‌ی الهی سوء‌ظن داشته باشیم، جور دیگری عمل می‌کنیم. خدای متعال افرادی را که سوء‌ظن دارند، مشخص کرده است: «وَ يَعْذَّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح/۶) امروز هم هستند. چند آیه بعد می‌گوید: «بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (فتح/۱۲) سوء‌ظن به خدا موجب می‌شود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن‌ظن به خدا داشتیم، آن وقت می‌توانیم پیش برویم.

۹. از آن جایی که هر زمانه‌ای مسائل خاص خود را دارد، متفکران بزرگ با توجه به آن مسائل متوجه مشیت الهی در آن زمانه می‌شوند و راه حلی ارائه می‌کنند که جوابگویی به همه‌ی مسائل آن زمانه در آن راه حل می‌گنجند؛ از این لحاظ می‌گوییم هر زمانی، متفکر و فکر زمانه‌ی خود را می‌طلبد بدون

آن که از افقی که متفکران گذشته گشوده‌اند روی برگرداند.

درست است که وقتی به اراده‌ی انسان‌هایی که در مقابل مشیت الهی سربرکشیده‌اند نظر کنیم متوجه می‌شویم رسیدن به جامعه‌ی مطلوب دشوارتر از آن است که در ابتدای امر گمان می‌شد ولی این بدین معنی نیست که برای شکوفایی خود و جامعه راه حلّ دیگری غیر از راه مقاومت هست بلکه می‌فهمیم خداوند از ما پایداری و مقاومت بیشتری را انتظار دارد و می‌خواهد تاریخی را به ظهور برسانیم که بناست اندیشه‌های ژرف در آن ظهور کند.

در آخر به مصاحبه‌ی نماد مقاومت یعنی جناب سید حسن نصرالله که در جمعه ۲۱/۴/۹۸ با شبکه‌ی خبری «المنار» داشت اشاره می‌کنم که درباره برخی از قسمت‌های نقشه فلسطین اشغالی به صورت مفصل توضیح داد و رسانه‌ها آن را «نقشه محو اسرائیل» توصیف کردند، از آن جهت که هر جمله‌ی او مثل موشکی نقطه‌زن به سوی سیاستمداران و افکار عمومی اسرائیل و حاکمان غربی و سعودی و اماراتی شلیک شد و به صورت پیش‌گیرانه خواب و تخیل حمله به ایران و لبنان را از سر دشمنان بیرون کرد زیرا که صلح راستین وقتی برقرار می‌شود که قدرت واقعی از آن ما باشد و این تنها با «مقاومت» ممکن است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته